

# اسلام و نقش ابزار تولید

\* آنها که حق ابزار تولید را بکلی منکرند به يك سلسله استدلالات ظاهر اسلامی دست می زنند!  
 «تقود الفکار النقاطی در مغزها و مرعوب شدن در برابر حملات سوسپالیسم سرچشمه اینگونه استدلالات است»

است و کتبی در اسلام حرام است و انفاق واجب است.

۴- همانگونه که انسان حق ندارد سرمایه خود را مثلاً در راه مشروبات و سایر کارهای حرام بکار اندازد نمی تواند آنرا وسیله ای برای دزدیدن حق کارگر فراهم بخشد مخصوص اینکه «ابزار» کار مرده محسوب می شود و کار مرده در آمدی نمی تواند داشته باشد

\* \* \*

اینگونه استدلالات و مانند آن شامه خوبی

جانب این که گاهی برای اثبات اسلامی بودن این فرضیه به دلائل چنگ می زنند که از آثار عنکبوت هم سست تر است این دلائل بصورت های گوناگون ارائه می شود :

- ۱- غیر ممکن است که تأسیسات صنعتی امروز از طریق حلال به ملک کسی درآید.
- ۲- درباره ای از احادیث می خوانیم غیر ممکن است که انسان بیش از ده هزار درهم از راه حلال جمع آوری کند!
- ۳- فرض جمع آوری مصداق «کتزه»

است بر این نکته که آنها تمسیم خود را قبلا گرفته اند و دست‌ها می‌کنند بلکه دلیلی برای آن پیدا کنند چنانچه هزار حدیث راجه بر و رومی کنند تا آن حد بی‌راکه باب ذوق و سلیقه شان است پیدا کنند هر چند حدیث تبعی باشد .

بهر حال جواب اینگونه استدلال با کمی دقت روشن می‌شود جوابی که خود استدلال کنندگان هم اگر گرفتار پیشداوری نبودند از آن غافل نمی‌شدند :

۱ - ما هم مطمئن داریم که مؤسسات عظیم تولیدی غالباً از طرق حلال به ملک یک نفر در نمی‌آید ولی آیا اگر گروه زیادی بصورت شرکت سهامی در آن سرمایه گذاری کنند و هر کدام یک یا چند سهم در اختیار داشته باشند باز هم محال است ؟

در مورد مؤسسات کوچک چه می‌گویند؟ آیا ما نمی‌دارد که گروهی مانند معلمان یا کارکنان ادارات، با صرفه جویی، در حقوق خود متعیناً یک مرشداری کوچک تأسیس کنند که در نفر کارگردان مشغول به کار شوند و درآمد بیشتر آن مال کارگران باشد و سهمی هم از آن نیز به سرمایه گذاران برسد؟ آیا اینهم از طریق حلال محال است ؟

\*\*\*

۲- حدیثی که در مورد معدود بودن مال حلال به معنی ذکر شده هر گاه گفتگویی که در ستند آن است صرف نظر کنیم نه تنها دلیلی

برگفتار شمایست بلکه کاملاً برخلاف آن می‌باشد و در اینجا باز متأسفانه آن قسمتی را که ظاهراً بفتح آنها بوده گرفته اند و بپایه را فراموش کرده اند .

در اینجا متن حدیث را عیناً می‌آوریم :  
**عن ابراهیم بن محمد عن ابی عبد الله علیه السلام . ما عطي الله عبداً ثلاثين الفأوهو . يريد به خيراً وقال ما جمع رجل قسط عشرة آلاف درهم من حل وقد جمعها لا كوام ، اذا عطي القوت و رزق العمل فقد جمع الله له الدنيا و الاخرة ( وسائل الشیخ جلد ۱۲ صفحه ۲۱ ) :**

ما از امام صادق چنین نقل شده که هر مردی خداوند به کسی که خیر او را بسواهد می‌بخشد (درهم) نمی‌دهد ، و فرمود هرگز کسی به هزار درهم از طریق حلال جمع آوری نکرده است (سپس اضافه فرمود) ولی بدانید گاهی خداوند آنرا برای گروهی جمع آوری می‌کند ، هر گاه انسان مقدار نازکی که می‌خواهد داشته باشد و توفیق عمل پیدا کند دنیا و آخرت را برای او جمع کرده است .

همانگونه که ملاحظه می‌کنید از آغاز حدیث سخن از سی هزار است و بعد از ده هزار و در پایان حدیث می‌فرماید : گروهی هستند که خداوند این مقدار مال را از طریق حلال بآنها می‌دهد . از مجموع این سه تفسیر بطوری می‌توانیم که این یک قانون کلی نیست و درست

به این میماند که گاهی ما می‌گوئیم امروز غذای سالم و پاک دست نیامده منظور این است که کم است نه اینکه بکلی نیایم است .

بعلاوه بعضی یک قانون کلی می‌باشد حتماً مخصوص شرایط و زمان معینی بوده و در هر شرائطی قابل قبول نیست ، چرا که در هزار درهم در زندگی امروز ما چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ آیا یک اطاق کوچک با آن میتوان ساخت؟ یا یک وسیله نقلیه ساده و چند قطعه فرش و وسائل منزل می‌توان با آن تهیه نمود ؟

چند مسئله است که سخن از « کوزه نیست بلکه سخن از آن است که سرمایه را « کوزه » کنیم بلکه در یک واحد تولیدی کوچک یا بزرگ بکار اندازیم که در واقع یک نوع اتفاق بی‌سبب افتاد است چرا که تولید کار و موسسه ای کرده ایم که در آمد آن عائد کارگران می‌شود و محصول آن نصیب جامعه .

بعلاوه چه کسی گفته است اتفاق بدون قید و شرط و بدون محدودیت در اسلام واجب است صحیح دلیل فقهی بر آن نداریم .

۴- این دیگر مصداق روشن « طی کردن ترخ در وسط دعوا » است ، ما هم قبول داریم که انسان نمی‌تواند سرمایه خود را وسیله دزدی و مانند آن قرار دهد اما چه کسی بشما گفته است که هر نوع بهره‌گیری از ابزار تولید دزدی حق دیگران است؟ و شما مانا کتون هیچگونه دلیلی بر این کار اقامه

نکرده‌اید ، بلکه ما دلائلی برخلاف شما داریم .

دزدی حق دیگران در صورتی است که بیش از استحقاق ابزار تولید چیزی ببرد و اما اگر بمقدار استحقاق ببرد نام دزدی بر آن گذاشتن غلط است (البته منظور استحقاق سهمی بعد از کسر استهلاک است) .

همچنین ، اینکه می‌گویند « ابزار کار مرده است و بیش از حق استهلاک ندارد آن نیز در وسط دعوا نرخ طی کردن است چه کسی بشما گفته است اینکار مرده است در حالی که منشاء تولید است و گاهی سطح تولید را تا مدتی بر افزایش می‌دهد آیا کار مرده چنین قدرتی دارد .

بهر این است نام ابزار کار مولده یا کار غیر مستقیم « پاه کار مترکم » بگذاریم ، درست است که در مرحله بعد از کار مستقیم قرار دارد و نقش آن نقش درجه دو است ولی این یعنی مرده بودن آن نیست .

\*\*\*

در بحثهای آینده بخواست خدا خواهیم دید که ما چهار نوع سرمایه گذاری تولیدی در اسلام داریم که از نظر سنت پیامبر و فقه اسلامی مسلم است و هیچگونه ربطی با نظام سرمایه‌داری و کاپیتالیسم هم ندارد و آن عبارت از : « مضاربه » و « مزارعه » و « مساقات » و « اجاره » است .

بهدر صفحه ۲۳

علوم انسانی و مطالعات  
 جامع علوم انسانی



« زول لایوم » : « این تحولات و دگرگونیها ، پایتخت اسلام تألیف شده است و تا قرن پنجم این حاصل از آزادی بحث و ابراز عقیده و تبادل افکار آزادی بوده است .

و اندیشه‌معماست . از تصادم آزادانه افکار است که سوگندنامه در میان مسلمانان از قرن پنجم فکرتازه بوجود می‌آید و تکامل پیدامی‌کند . همین دوران تعصب شروع می‌شود و بعداً اختناق مذهبی آزادی قرن اول و دوم و سوم بود که تمدن نیمه و کشت و کشتار آغاز میگردد و مسلمانان بکلی قرن سوم و چهارم و پنجم اسلامی را ایجاد کرد . در افکار و اندیشه را بروی خود می‌بندند و دچار اینها نشانه نیست که با تقلید و تعصب جمود و سکون اندیشه و تجمد فکری میگردند ، منتهی از اول مبارزه می‌گردند و مسلمانان و تمام در نتیجه تمدن عظیم خود را بادست خود نابود میکنند .

اقلیتها در میان افکار و عقاید خود کاملاً آزاد بودند . بنابراین آنهمه پیشرفت فکری و علمی بی که در سه چهارم قرن اول اسلام نصیب مسلمانان و اقلیتها است . (۱) .

و لذا بسیاری از آثار زرتشتیان و یهود و نصاری در دوره تمدن اسلامی نوشته شده است . یکی از کتابهای مهم زرتشتی که « دینکرت » نام دارد بیش از نیمی از این کتاب در دفاع از دینویت در مقابل توحید است که مذهب یهود ، نصاری و اسلام می باشد (۲) این کتاب در خود بغداد

- ۱ - ایدئولوژی و فرهنگ اسلام از دیدگاه اول لایوم صفحه ۱۶۸ -
- ۲ - تمدن ایران با قدم چند تن از خاورشناسان صفحه ۲۴۱

پوشه‌گاه علوم انسانی و معارف اسلامی

برابر مکتبهای سوسیالیستی و انکار مسلمات فقد اسلامی اصالت و استقلال فکری خودمانرا حفظ کنیم ، و به بحث و تحقیق بیشتر در زمینه این چهار امر و شرایط آنها بپردازیم تا روشن شود که : اسلام مکتبی ویژه خود دارد که نه راه کمونیسم را می‌پیماید و نه سرمایه‌داری را و در عین حال چرخهای تولید را بطور موثری بکار می‌اندازد .

بقیه از صفحه ۱۳  
اگر ما بخواهیم حق ابزار را بکلی انکار کنیم یا محدود به مقدار استهلاک بدهانیم باید این چهار باب را از فقه اسلامی را بکلی حذف کنیم و این کاری است که هیچ محقق اسلامی نمی‌تواند زیر بار آن برود .  
پس چه بهتر که بجای مرعوب شدن در